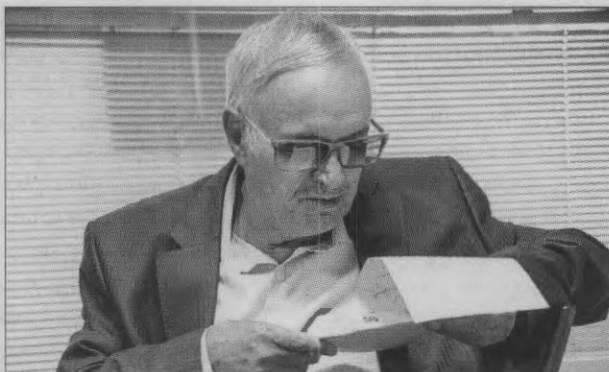


## حکیمی محدث نیست، متفکر است



سیدیحیی یثربی، استاد بازنشسته دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگر فلسفه و عرفان معتقد است که نوآوری استاد محمدرضا حکیمی در مجلدات الحیاه ناظر بر دو چیز است: تنظیم و فصل بندی ویژه مطالب کتاب و همچنین توجه به مسائل مورد نیاز انسان امروز. یثربی که در پاسخ‌های خود جانب احترام حکیمی را نگه می‌دارد بر آن است که برخلاف استاد از تفکر فلسفی دفاع می‌کند. پاسخ‌های مکتوب او را به پرسش‌های مهر نامه بخوانید.

■ به عنوان نخستین پرسش بفرمائید که از نظر شما استاد محمدرضا حکیمی را باید در کدام دسته‌بندی مشاهیر اندیشه دینی معاصر قرار داد؟ آیا ایشان را باید یک محدث معرفی کرد یا یک متفکر؟ طبیعی است پاسخ دقیق به این پرسش، تا حدودی تکلیف ما را با پروژه الحیاه روشن‌تر می‌سازد. نظر حضرت تعالی چیست؟

از نظر من نمی‌شود به ایشان محدث به اصطلاح رسمی کلمه گفت. ولی در حد نیاز خود با حدیث ارتباط داشته‌اند به نظرم باید ایشان را یک متفکر دینی نامید یعنی، کسی که خود مومن و متمد است و در عین حال، تلاش می‌کند که تمام کارهایش با عقلانیت و اندیشه همراه باشد.

■ اگر نیم نگاهی به کتب روایی شیعه همانند اصول کافی و بحارالانوار داشته باشیم، در نسبت با این ماثورات فرهنگی شیعه، الحیاه در چه جایگاهی قرار دارد؟

به عبارت دیگر الحیاه متکفل بر عهده گرفتن چه نقشی در تاریخ‌نگاری معارف و موارث تشیع است؟

به نظر من کار استاد حکیمی با مجموعه‌های حدیثی گذشته دو فرق اساسی دارد. یکی این که استاد احادیث را با طبقه‌بندی مخصوصی گزینش کرده‌اند و دیگر این که کار ایشان بیشتر با توجه به نیازهای سیاسی و اجتماعی امروز ماست و تنها گردآوری احادیث نیست. هدف و کار ایشان بیشتر توجه دادن به نکته‌های حساس سیاسی و اجتماعی اسلام است. اگر چه در برخی موارد به این نکته نپرداخته‌اند اما، به نظر من استاد حکیمی نیز مانند علامه مجلسی کاری در زمینه طبقه بندی احادیث از نظر درستی و نادرستی نکرده است، در حالی که جهان تشیع امروزه باید در برابر دشمنانش، منابع خود را از نوارزایی کند. چندی پیش در یکی از رسانه‌های مجازی دیدم که امام زمان (عج) را به گونه‌ای معرفی کرده بودند که گویی کاری جز کشتن انسان‌ها ندارد و همه سخن هم با ذکر مجلد و صفحه به بحارالانوار ارجاع داده شده بود. شخصی در مقام پاسخ به ایشان گفته بود نود درصد احادیث آخرالزمان در بحارالانوار جعلی و نامعتبر هستند! ما باید احادیثمان را غربال کنیم تا دشمنانمان از آن‌ها بهره‌برداری نکنند. امیدوارم دلسوزان حوزه و حدیث‌شناسان ما هر چه زودتر این کار را بکنند و احادیث را با محوریت قرآن و عقل و اسناد تفکیک نمایند.

■ بدعت و فصل تمییز مجلد الحیاه با دیگر رساله‌های مشابه چه می‌تواند باشد؟ به نظر حضرت تعالی آیا این کتاب سیزده جلدی کار فرو گذاشته شده‌ای در تشیع را پی گرفته است؟

به نظر من، نوآوری جناب حکیمی در این مجلدات در همان دو چیز است که گفتیم. تنظیم و فصل‌بندی ویژه و توجه به مسائل مورد نیاز انسان امروز. این که جای چنین کاری خالی بود تا حدودی می‌توان گفت، بلکه اما کار ایشان نباید نقطه پایانی حساب شود و دیگران باید در بازنگری به سنت و احادیث با توجه به مسائل و مشکلات امروز کارهای دیگری انجام دهند تا هر چه بیشتر در سبسی کردن اسلام و عملی کردن سنت اسلامی پیش برویم.

■ یکی از نکات کلیدی در فهم مسیر و مقصد پروژه فکری-تالیفی استاد محمدرضا حکیمی ناظر به مبانی عقیدتی ایشان است. اگر مکتب معارف یا همانگونه که شهره شده است، مکتب تفکیک را به عنوان پایگاه و جایگاه آقای حکیمی به رسمیت بشناسیم، نسبت الحیاه با این مکتب چگونه قابل توجیه است؟ به عبارت دیگر آیا الحیاه میوه‌ای است که از درخت تفکیک روئیده است و یا اینکه تدوین و نگارش الحیاه الزاماً ریشه‌ای در خاک مکتب تفکیک ندارد؟

به نظر من، مکتبی به نام تفکیک نداریم. من این موضوع را بارها با آیت‌الله سیدان و

استاد حکیمی در میان گذاشتم. بسیاری از علمای شیعه از قرن‌های گذشته با فلسفه‌ای که از یونان وارد شده، مخالفت کرده‌اند. آقای حکیمی هم به همان راه رفته است که آنان رفته‌اند. بنابراین، نمی‌توان مجموعه الحیاه را چیزی دانست که تحت‌تأثیر مخالفت با فلسفه اسلامی یونانی ما باشد. اگر چه در مواردی در همان موضع خود که مخالفت با این فلسفه است، تأکید داشته‌اند.

■ نقد بنیادینی که از سوی ناقدان و مدعیان استاد محمدرضا حکیمی به مبانی اعتقادی ایشان در مکتب معارف اهل بیت و همچنین به رساله الحیاه وارد می‌شود ناظر به تلاش برای به دست دادن یک خالصیت دینی است که عناصر واقع‌گرایانه را در نظر نمی‌گیرد. به نظر شما نقدهایی که به روش و منش فکری آقای حکیمی در تدوین الحیاه وارد می‌شود تا چه اندازه قابل تامل است؟

من در این باره حضور ذهن ندارم که نقادان راجع به موضوعات الحیاه یا گزینش‌های آقای حکیمی از احادیث نقدی داشته باشند اما نقدهای متعددی دیده‌ام در دفاع از فلسفه به اصطلاح اسلامی ما. به نظر من، در این باره دفاع قاطع از مجموعه فلسفه اسلامی به همان اندازه غیرمنطقی است که بخواهیم تفکر فلسفی نداشته باشیم. به همین دلیل است که من با استاد حکیمی فاصله دارم. ایشان فلسفه موجود ما را قبول ندارند من نیز آن را قبول ندارم، اما من در صدد نقد و اصلاح و تکمیل آن بوده و سخت از تفکر فلسفی و تحول ذهنی و روشن‌اندیشی دفاع می‌کنم. در حالی که ظاهراً استاد حکیمی چنین نمی‌اندیشند. من معتقدم ما دین را باید با عقلمان انتخاب کنیم و محتوای دین را با خردورزی برگزینیم و اجرا کنیم، نه این که دست و پای عقلمان را ببندیم. آن‌گاه از دین بخواهیم که به جای عقل و اندیشه ما کار کند. باید دین درست را از میان ادیان مختلف با عقل و خردورزی انتخاب کنیم و درون دین درست نیز با عقل و اندیشه بفهمیم که چه باید کرد.

■ به همان اندازه که مجموعه الحیاه رساله‌های نظری و فکری است، کتابی است که نویسندگان آن مدعی کارکرد عملی آن نیز هستند. آیا آقای حکیمی بی‌توجه به دشواری‌های پیاده‌سازی ایده‌ها در عرصه عمل هستند یا اینکه باور راستین به تحقق بی‌چون و چرای همه سخنان و اقوال ائمه اطهار در هر ازمنه‌ای هستند؟

بی‌تردید، همه مسلمانان دین اسلام را دین همیشه تاریخ بشر می‌دانند. این دین در تمام دوران‌ها کارایی عملی و اجرایی شدن را دارد و می‌تواند جامعه بشری را از بهترین سامان بر خوردار کند. اما، رهنمودها مال دین است و برداشتها و اجراها به ما انسان‌ها تعلق دارند. بی‌تردید، مجموعه‌ای از انسان‌های آگاه با ذهن‌های توسعه یافته و نگرش‌های بلند می‌توانند بر پایه رهنمودهای اسلامی یک نظام عادلانه را سامان دهند که ضامن سعادت دنیا و آخرت شهروندان باشد. اما، اگر اسلام در دست کسانی قرار گیرد که آن را ابزار جاه و مال قرار دهند یا در فهم آن گرفتار جهل و عقب‌ماندگی باشند، بی‌تردید با شعار اسلام کاری از پیش نخواهد رفت. ولی این عدم پیشرفت ناشی از کستی و عقب‌ماندگی انسان‌هاست. برای مثال ما در سه قرن پیش، آن‌چه امروزه بشر از طبیعت به دست آورده، ندانستیم. دو قرن پیش نه هواپیما داشتیم نه اینترنت و نه برق و نه تولید و تکنولوژی. این گناه طبیعت نبود، بلکه نتیجه آن بود که انسان‌ها دارای ذهن پیشرفته و اندیشه درست و روش تحقیق کارآمد نبودند. دین نیازمند انسان شایسته است و ظهور حضرت مهدی (عج) در گرو حضور ۳۱۳ انسان شایسته است. بنابراین، کار آقای حکیمی گزارش معارف اسلام است، با طبقه‌بندی و توجهات ویژه، اما کسی نمی‌تواند بگوید که اجرایی شدن آن نیز تضمین شده است. در خصوص انتقادهای ایشان از جامعه آموزشی ما، بحثی جداگانه است که باید جداگانه ارزیابی شود، چنانکه دیگران نیز نقدها دارند و خود بنده نیز نقدها دارم. ■